

خاطرهنکارها

نوشتن تاریخ به سبک «ساعی»



حسین جمشیدی | قبل از انقلاب اسلامی و حتی سالها بعد از آن همه به دوقطبی ورزش ایران در ادوار المپیک عادت کرده بودند؛ فقط ستارگانی در کشتی یا وزنه‌برداری ایران می‌توانستند در بزرگترین رویداد ورزشی دنیای سکو بروند و سایر ورزشکاران دست خالی به کشور بازمی‌گشتند. این داستان ادامه داشت تا زمان ظهور یک ستاره بزرگ روی شیب چانگ؛ قهرمانی که در شهر ری متولد شد و در ۲۴ سالگی دست به یک کار تاریخی زد. هادی ساعی در المپیک ۲۰۰۰ به این دوقطبی پایان داد و توانست با کسب مدال برنز المپیک در سیدنی نام خودش را در تاریخ ثبت کند. تاریخ‌سازی ساعی نه تنها در دوره‌های بعدی المپیک ادامه دارد، بلکه پایه یک اصل را در تکواندوی ایران گذاشت که حالا بعد از گذشت ۴ دوره دیگر همچنان مدال آوری هوگوپوشان این رشته ادامه دارد.

اتفاقی که این پسر تکواندوکار را بیشتر در دل مردم جا کرد، تقدیم مدال هایش به مردم زلزله‌زده بم بود. فقط کافی است خودتان را جای او بگذارید تا به ارزش کار هادی ساعی بیشتر پی ببرید. مدال برنزی که او در المپیک سیدنی به دست آورد، در تاریخ بی‌تغییر بود و حتی ممکن بود تا سال‌ها فرد دیگری هم نتواند آن را تکرار کند اما او تصمیم گرفت برای کمک به هموطنانش که دچار حادثه تلخی شده بودند، همین مدال را هم به حراج بگذارد.

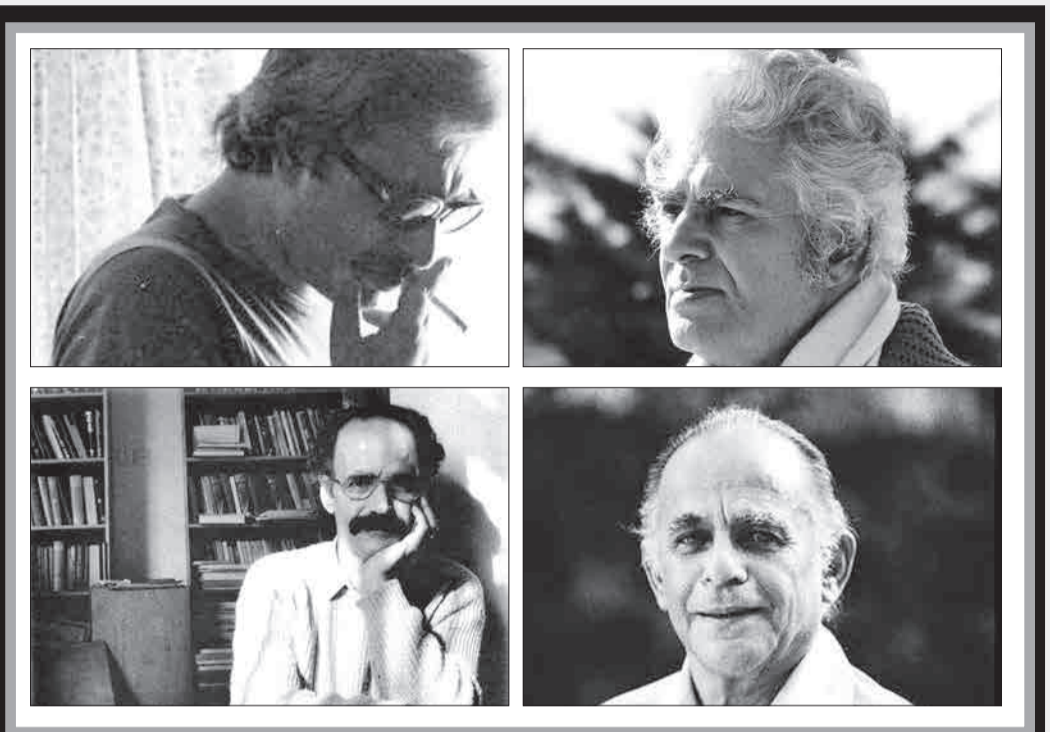
وقتی ساعی در المپیک ۲۰۰۴ به مدال طلا رسید، خیلی این موفقیت و باز هم قهرمانی تاریخی را هدیه مردم زلزله‌زده بم به او دانستند؛ این‌که دعاهای مردم این منطقه پشت سر تکواندوکار ایرانی بود و او موفق شد این بار نخستین مدال طلای ایران را در رشته‌ای که جز کشتی و وزنه‌برداری رقم نزنند. البته این بار هم پایان کار برای ستاره تکواندوی ایران نبود.

زمان جلو می‌رفت و تکواندوکاری که پشتکارش مثال‌زدنی بود، نمی‌خواست به همین راحتی به دوران طلایی خود پایان دهد. هادی در ۲۳ سالگی به المپیک ۲۰۰۸ رفت. در پکن که کل کاروان ورزش ایران در حسرت یک طلا مانده بودند، تمام نگاه‌ها به مرد باتجربه تکواندوی ایران بود. بله؛ باز هم او خوش درخشید و جواب اعتمادها را داد. این پایان کار هادی ساعی بود. از این بهتر نمی‌شد؛ ۲ مدال طلا و یک برنز در ۳ دوره المپیک او را به پرافتخارترین ورزشکار ایرانی در تاریخ المپیک تبدیل کرد و هنوز هم کسی نتوانسته رکورد تکواندوکار پرافتخار ایرانی که حداقل ۱۰ سال خودش را در اوج نگه داشت را جابه‌جا کند.

ساعی با این‌که این روزها به خاطر برخی اختلافات و کج‌سلیقگی‌ها جایی در فدراسیون تکواندوی ایران ندارد، بنیاد یک رسم همیشگی را برای تکواندوی ایران بر جای گذاشت. از المپیک ۲۰۰۰ که او با کسب برنز دست به تاریخ‌سازی زد، در ۵ دوره اخیر تکواندوکاران ایرانی حداقل یک برنز را در بزرگترین رویداد ورزشی دنیا کسب کرده‌اند. نام ساعی در تاریخ ورزش ایران ماندگار شده؛ حتی اگر روزی در آینده نزدیک یا دور کسی بتواند رکورد فوق‌العاده او را جابه‌جا کند.

شهر وند

www.shahrvand-newspaper.ir



مرگ نصرت رحمانی، هوشنگ گلشیری، احمد شاملو و فریدون مشیری

سال بد، سال باد

یاسر نوروزی | همه از عصیان زنی می‌گویند که حرف‌و‌حدیث درباره او کم نبود اما مستند «سرد سبزه» درباره فرغ فرخزاد با جمله‌ای نجیب و موجه به پایان می‌رسد؛ جمله‌ای از فریدون مشیری با این مضمون انسانی که روا نیست بعد از رفته سخن گفتن جز به نیکی. او را به همین مهر و عطوفت می‌شناختند و آدمیزاد اگر هیچ ندانسته باشد، همین آیا او را پس نیست؟ مشیری به فضای عاشقانه «کوچه» یادها ماند و مثنوی «گرگ» که این روزها گاهی می‌بینم مردم آن را در شبکه‌های اجتماعی با تصویر و صدای شاعر بازنشر می‌کنند؛ در سوگ زوال خلق و خوی انسانی. او در واقع شاید بدعت‌ها و بدایع بعضی شاعران را نداشت اما سال ۷۹ با یاد و خاطرهای نیک از دنیا رفت. از آن سو مثل نصرت رحمانی در شعر و زبان جسور تر بود اما اقبال عام مشیری را نیافت. جالب اینجاست گاهی مضامین یکسان به دو زبان کاملا متفاوت بیان می‌شوند و تو می‌توانی همه را در مرئیهای فرضی به نام انسان معاصر جمع کنی: «ای دوست / این روزها / یا هر که دوست می‌شوم احساس می‌کنم / آن قدر دوست بوده‌ایم که دیگر / که حرف خیانت است / انبوه غم، حریم و حرمت خود را / از دست داده است». مرگ رحمانی در همین سال رقم خورد و تراژدی تکمیل شد؛ چون ناگهان نسلی از شاعران می‌رفتند که به نظر می‌رسد کم‌کم به بحرانی عظیم نزدیک می‌شویم؛ بحرانی که با گذشت هوشنگ گلشیری و احمد شاملو عمیق تر شد و بعدها از آن با عنوان بحران رهبری ادبی یاد کردند؛ یکی داستان نویس، دیگری شاعر. هر چند که شاملو به جهت اقبال عام و خاصی شهرتی فراتر یافت و قابل قیاس با گلشیری نیست اما به هر حال همه از مرگ دو چهره‌ای می‌گفتند که هر کدام خود جریانی ساخته و جریان ساز بودند؛ گلشیری به جهت شکل دادن به حلقه اصفهان، تربیت نسلی از داستان‌نویسان امروز ایران که هنوز هم می‌نویسند و بعضی از آنها به شهرت رسیده‌اند و سردبیری نشریاتی از جمله «کارنامه» که سر حلقه‌های ذوق و سلیقه‌ها یک نسل بود. شاگردان و همراهان این مکتب بعدها هم داستان نوشتند و هم داستان‌های فراوانی از همراهی با گلشیری نوشتند؛ از یار علی پورمقدم گرفته تا حسین سنابور، منیر و روانی پور، شهریار مندنی پور، ناصر زراعتی، حسین مرتضاییان اَبکنار و... از آن طرف، احمد شاملو هم در سلوک ادبی خود به گونه‌ای از شعر رسید که تادو سه دهه همچنان مضمون انواع تقلید و پیروی بود. از روزگای حرف می‌زنم که همه دوست داشتند شاملو باشند اما خوب شاملو فقط یک نفر بود. حالا هم می‌دیدیم که رفته و هیچ‌کسی شاملو نشده. حیاتی را پشت سر گذاشت که حرف‌و‌حدیث درباره آن کم نبود اما حاصل آن قدر پر پیمان که هنوز هم محل بحث و تحقیق است. در واقع بین آنها یکی که در این سال، سال ۷۹، هم‌زمان در گذشتند، شاملو واقعا چهره‌ای جامع‌الاطراف بود و به نسلی متعلق که دیگر نظیر آن نیامد؛ شخصیت‌هایی که در وجوه مختلف محل رجوع بودند؛ از شعر گرفته تا پژوهش و ترجمه و روزنامه‌نگاری و تحقیق در فرهنگ عامه. پایان این زندگی شاید فقط بشود گفت: «فرصت کوتاه بود و سفر جانکاه بود / اما یگانه بود و هیچ کم نداشت / به جان منت پذیرم و حق گزارم / چنین گفت بامداد خسته» (شاملو، در آستانه)

جمعیت جوان انبوهی داریم که در همه میدان‌های فعال شرکت کنند

ما امروز در کشورمان اسامه‌ین‌زاده‌های زیادی داریم؛ جوانان زیادی داریم؛ دختران و پسران عظیم و جمعیت انبوهی از این مجموعه‌ها داریم که حاضرند در همه میدان‌های فعال- در میدان درس، در میدان سیاست، در میدان فعالیت‌های اجتماعی، در میدان مشارکت‌های گوناگون برای فقرزدایی، برای سازندگی و در هر صحنه و عرصه‌ای که برای آنها برنامه‌ریزی شود و امکان داده شود- شرکت کنند. این موقعیت بسیار مهمی برای کشور ماست. این نسل، شبیه همان نسلی است که توانست یکی از بزرگترین تجربه‌های این کشور- یعنی تجربه جنگ تحمیلی- را با قدرت و با موفقیت به پایان ببرد. بد نیست شما برادران و خواهران عزیز بدانید؛ آن روز که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد، بیشتر کسانی که در این سپاه عضویت داشتند، جوانان و نوجوانان بودند. همین کسانی که امروز سرداران این سپاه محسوب می‌شوند و درجات بالا دارند، آن روز یا دانشجوی بودند، یا تازه فارغ‌التحصیل شده بودند یا حتی قدم به دانشگاه هم نگذاشته بودند.

بیانات در دیدار با جوانان در مصلا بزرگ تهران ۱۳۷۹/۰۲/۰۱

ماندگاران

خدا حافظی با فردین سینمای ایران	وداع با بازیگر نقش حمزه
فردین در ۷۰ سالگی بر اثر ایست قلبی از دنیا رفت. مراسم تشییع پیکر این هنرمند بزرگوار در ورزشگاه امجدیه در میان سیل هنرمندان و مردم برگزار شد. ۱۸ فروردین	آنتونی کوپین هنرپیشه، نویسنده و نقاش مکزیکایی آمریکایی است که در ۶۰ سالگی نقش حمزه، عمومی پیامبر اسلام را در فیلم رسالت بازی کرد. ۱۴ خرداد

نفس زاینده رود گرفت

زاینده‌رود در سال ۱۳۷۹ نخستین خشکی خود را تجربه کرد تا نشان دهد برداشت بی‌رویه حتی از رودخانه‌ای که محل زایش آب است هم می‌تواند آن را خشک کند.

جعبه جادو

ورود سوپر استار به سینما

سام و ترگس، فیلمی به کارگردانی و نویسندگی ایرج قادری و تهیه‌کنندگی مرضی شایسته ساخته سال ۱۳۷۹ است. این فیلم داستان علاقه‌مندی یک جوان به خواهر دوست خود است که منجر به قتل یکی از آنها می‌شود. سام که حیرت‌زده از کشته‌شدن دوست خود (عبد) است، نمی‌تواند بگوید که عبد خودش را کشته است و او بی‌تقصیر بوده، از طرفی هم کسی او را باور نمی‌کند...

محمدرضا گلزار، بازیگر سینما و همچنین خواننده کشور با بازی در این فیلم به‌عنوان سوپرستار سینمای ایران شناخته‌شد.

مستند تلویزیون از اتفاقات پر حاشیه کنفرانس برلین پخش شد

کنفرانس پرحاشیه

در نظر گرفته شود. مهدی تار تار، بازیکن سابق پرسپولیس که خودش در درگیری‌ها بود؛ اصلا فوتبال نبود، عده‌ای به جان همدیگر افتاده بودند؛ به نظر ما دور مقصر اصلی درگیری‌ها بود. علی پروین، سرمربی وقت پرسپولیس؛ از اینکه استقلالی‌ها به بازیکنان ما توهین کردند، متأسفم؛ شرمند مردم شدیم. فقط خوب شد طرفداران در این درگیری‌ها شرکت نکردند.

در این رویداد تلخ ورزشی برخی از بازیکنان از جمله مجیدی، رهبری، فرد، تار تار و رأفت جریمه‌های ورزشی شدند

آبی‌ها برسکوی قهرمانی

استقلال با بهترین میانگین امتیاز بعد از انقلاب در آخرین دوره لیگ آزادگان قهرمان شد و با پنج قهرمانی از پاس گذشت!

۱۰ تیر

نیم‌نگاه هشتم رئیس جمهوری در تهران

اجلاس سران کوب‌با حضور هشت رئیس جمهوری عضو برتر گرا شد. آبان

استارت اولیه بنیاد رودکی

هیأت دولت طی لایحه‌ای پیشنهاد تشکیل بنیاد فرهنگی- هنری رودکی را مطرح کرد. این لایحه در صحن علی مجلس مطرح شد و به تصویب نمایندگان رسید.

نخستین جرقه فناوری نانو در ایران

مرحوم دکتر ابتکار، مشاور رئیس جمهوری وقت در نامه‌ای به رئیس جمهوری مطرح‌شدن موضوعی جدید با عنوان فناوری نانو را به ایشان اطلاع می‌دهند و می‌خواهند که این موضوع بررسی شود.

۱ اسفند

ششمین دوره مجلس شورای اسلامی تشکیل شد

اصلاح طلبان اکثریت صندلی‌های مجلس را به دست آوردند

۲۰ اردیبهشت

باز نشر یک «گزارش» روزنامه هایتیرز دند

دربی جنجالی

نهم دی‌ماه ۱۳۷۹ و در پی پایتخت‌نشینی، فصلی که استقلال با هدایت منصور پورحیدری؛ پرسپولیس با هدایت پروین دو تیم رویایی را برای طرفداران رقم زده بودند. در آن فصل استقلال در بازار نقل و انتقالات یکی از بهترین بازیکنان وقت سرخ‌ها را جذب کرد که در تاریخ فوتبال ایران هنوز به عنوان نقل و انتقالی جنجالی یاد می‌شود. مهدی هاشمی نسب که با پیراهن سرخ‌ها، ۴ بار دروازه استقلال را در دربی فرو ریخته بود، با قرار دادی پرسرو صدا به استقلال آمد. بازی تا دقیقه پایانی یک دربی عادی بود تا برومند آن مشت را به گونه پایانی رأفت کوبید و اخراج شد. یک دقیقه بعد هم که داور هر‌ای سوت پایان را زد، آن حاشیه‌تلخ فوتبالی رقم خورد.

فرمای آن روز تیتراژ خبر ورزشی این بود: «بزرگ‌ها چقدر کوچک بودند» عکس‌های زدخورد نیز، ردیفی و

عکس نوشت

۱۲ خرداد ۱۳۷۹ سیدعلی اکبر ابوترابی، نماینده تهران در مجلس چهارم و پنجم و از اعضای مؤسس جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی که به سبب تحمل اسارت در جریان جنگ ایران و عراق به سیدالانصرا مشهور بود، درگذشت.

۱۰ تیر

تأسف عمیق ورزش دوستان از بازی ضد اخلاقی استقلال و پیروزی

پشت‌هم کار شده بود. دست‌اندر کاران وقت خبر ورزشی از حامد کویا پور و جواد زرینچه به خاطر تلاش برای پایان زدخورد هاتشکر کرده بودند. تیتراژی از مهدی هاشمی نسب نیز منتشر شده بود که تو چشم می‌زد: «پرسپولیس‌ها طاق‌گل‌زدن مراندان شدند» جمعه خونین با گل‌دات‌اتورهای آبی و قرمز نیز در بالای صفحه دیده می‌شد. این بخش مهمی از مصاحبه‌های کار شده پس از این دربی جنجالی بود. محمود خوردبین، سرپرست وقت پرسپولیس: حالم اصلا خوب نیست. مصاحبه‌های جنجالی قبل از بازی باعث این اتفاقات شد.

سعید فائق، معاون وقت سازمان تربیت‌بدنی: اسم این بازی فوتبال نبود بلکه اسمش مسابقه مشت‌زنی بود. مدیریت دو باشگاه عوامل اصلی این درگیری بودند. حرکات مربیان دو تیم هم غیر عادی بود. باید اشد مجازات برای خاطیان

عکس نوشت

زمستان سال ۱۳۷۹ یک زمستان متفاوت در ایران بود، سرمای بی‌سابقه در آن سال باعث شد بسیاری از مناطق ایران بارش برف را تجربه کنند. علاوه بر این برف و سرما کاهش شدید دما در کشور باعث قطعی گاز در برخی از مناطق تهران و شهرهای دیگر کشور شد.

۱۰ تیر